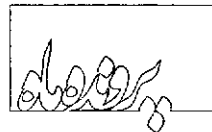


رنج‌نامه یک هنرمند دفاع مقدس

تصاویری به وسعت آرزوهای یک نسل



سید صادق

سعید صادقی، هنرمند عکاس، در سال ۱۳۳۲ در تبریز متولد شد و تحصیلات خود را تا مقطع دیپلم ادامه داد. او فعالیت خود را با عکاسی فیلم سینمایی «جنگ اطهر» در سال ۱۳۵۶ (به کارگردانی محمدعلی نجفی) آغاز کرد و با شروع جنگ تحمیلی به جبهه‌ها رفت. نقطه عطف فعالیت‌های این دوره از عکاسی او، آن ۲۵ روزی است که عکاسی از صحنه‌های پرمشقت و در عین حال افتخارآفرین جنگ را از ۳۱ شهریور تا ۵ آبان ۱۳۵۹ با مردم خرمشهر برعهده گرفت و صحنه‌های دفاع و مقاومت مردمی را ثبت کرد. او خود در این باره در جایی گفته است: «مقاومت خرمشهر، خاص بود؛ به چشم خود قهرمانان را در خرمشهر دیدم، فضا چنان رعناور بود که گاه فراموش می‌کردم عکس بگیرم.»

با این همه، مقاومت و روحیه بالای مردم نه تنها او که همه مدافعان شهر را دلگرم می‌کرد و آن‌ها جنگ را به نوعی یک زندگی جدید اما آزمون گونه تلقی می‌کردند.

«بیاده در شهر قدم می‌زدم، خانمی کوچه را جارو می‌کرد، دیوارها بر اثر شلیک گلوله ریخته بود و او بقایای آن را تمیز می‌کرد و به من گفت اگر بچه‌ها، کوچه را تمیز ببینند، روحیه می‌گیرند، از او پرسیدم جنگ کجاست؟ گفت: ستر کوچه.»

صادقی عکس‌های خود را در نمایشگاه‌های مختلف داخلی و خارجی به نمایش درآورد و در جشنواره‌های عکس سینمای جوان، نمایشگاه‌های خانه عکاسان ایران، نمایشگاه عکس‌های معاصر در فرانسه، نمایشگاه بین‌المللی زاگرب و نمایشگاه عکس یونسکو در ژاپن حضور داشت. مجموعه کتاب‌های «جنگ تحمیلی» در هفت جلد، «حلیجه» در دو جلد، «دفاع عاشقانه»، «انا فتحنا»، «زندگی دوباره» از زندگی اسزای عراقی در ایران، «روایت فتح» و «شکوفه‌های شکسته» را در کارنامه خود دارد. او هم‌چنین ساخت و فیلم‌برداری فیلم مستند هفت قسمی جنگی به نام «۷ زخم» را انجام داد.

در ضمن، وی مدیریت فیلم‌برداری چهار فیلم به نام‌های «محکومین بهشت» (۱۳۸۴)، «عشق طاهر» (۱۳۷۸)، «عاشقانه» (۱۳۷۴)، و «بایان کودکی (کودک قهرمان)» (۱۳۷۳) را برعهده داشته است.





مدت‌هاست با خودم درگیرم که چرا واقعیت ارزش‌های دفاع مقدس پیرامون آمار و اعداد می‌چرخد؟! چرا در این زمان که دو دهه از پایان جنگ می‌گذرد، و در شرایطی که قدرتمندان به تاخت‌وتاز مشغولند، باید بنویسم که «جسم و روح‌مان از تحقیرها فرسوده است؟» چرا پس از جنگ، شرایط زندگی من و امثال من که جوانی خود را غرق در احساسات دفاع مقدس کردیم، انباشته از اضطراب‌های پیچیده زندگی است؟ و چرا باید بنویسم که هرگز اقدامی صورت نمی‌گیرد و بایستی همه چیز و همه کس را همراه با اعمالشان به خدا و تاریخ بسپاریم؟ به‌طور حتم، آن احساس زیبایی که نسل ما در دفاع مقدس داشت، در گذر زمان نمایان خواهد شد و قلب‌ها و فسادهایی که در سایه قدرت و توسط روشن‌فکران تاریخ عینیت یافته است در دیدرس شاهدان زنده قرار خواهد گرفت. نسلی که در آن سال‌های بلیشوی داخلی، بی‌اعتنا به خواست‌ها و آرزوهای جوانی خود و با فوران احساسات و اعتقاداتش در مقابل تهاجم سنگین دشمن بعثی ایستاد و مومنانه با بذل جان، جنس مقاومت را برای حفظ انقلاب و ایران شکل داد.

در این میان، من و دوربینم نیز با پیوستگی در دفاع مقدس، جنگ را وارد زندگی خود کردیم و البته این را نیز می‌دانستیم که از نگاه هیچ دوربینی، هیچ اتفاق زیبایی در جنگ وجود ندارد؛ اما چیزی که در دفاع لمس می‌شد آن قدر اهمیت داشت که جان‌ها و آرزوها به‌خاطرش فدا شود. از این‌رو من و دوربینم سعی می‌کردیم تصاویری را در خاطرات نمناک نسل‌های بعد از جنگ جاودانه کنیم که متأثر از انگیزه‌ها و جهان‌بینی دفاع مقدس باشد. این تصاویر را در قالب عکس و با جزئیاتی تأثیرگذار بر وضعیت اجتماعی و فرهنگی این سرزمین و به‌وسعت آرزوهای نسلی وفادار تولید کردیم تا پس از جنگ در ردیف اسنادی معتبر، ذات آن هویت تاریخی را استحکام بخشند و احساس‌ها و باورها و انگیزه‌های آن زمان را به نسل‌های بعدی منتقل کنند.

شاید در نگاه اولیه به تصاویر و عکس‌های جنگ، همه آن‌ها را شبیه به هم ببینیم، ولی در نگاه عمیق‌تر، عکس‌هایی که کارشان دفاع از انگیزه‌ها و آرمان‌هایی مقدس است، متفاوت می‌نماید. معیار سنجش چنین تصاویری نهفته در نفس مردان درون خاکریزهاست که این دفاع را درک کرده و در حقیقت، این تصاویر با دل و جانشان پیوند خورده است. مردانی که در محاصره مرگ، فریم به فریم، لحظه‌هایی را ثبت کرده‌اند که بازتاب رشادت‌ها و دلاوری‌های میدان نبرد مقابل دشمن است و این نگاه، بدون واسطه، دل‌ها را به هم پیوند داده و در حقیقت، این عکس‌ها سرنوشت خود عکاس را در میدان جنگ به تصویر کشیده است.

باید گفت که در واقع، پدیده‌ای نو و سبکی جدید در عرصه عکاسی در ایران به‌وجود آمده است که این سبک و پدیده در میدان جنگ متولد شد و عکس‌هایی شکل گرفت که محتوای‌شان، آرمان‌های والای میدان دفاع مقدس و آرزوها و نیازهای مردان این میدان است. و این عکس‌ها به‌عنوان شناسنامه‌ای عینی، جلوه‌های ایثار و شهادت را که

موجب حفظ انقلاب شد در سینه تاریخ به ثبت خواهند رساند و غرور و افتخار را برای ایران به ارمغان خواهند آورد.

بدون شک، هیچ هنری به اندازه عکاسی، توانایی به تصویر کشیدن لحظه‌لحظه جنگ را نداشت و سایر هنرها به‌واسطه تبدیل تصاویر این عکس‌ها به‌دنبال شکل‌دهی به جذابیت‌های خود بودند. و امروز با گذشت دو دهه از پایان جنگ، مطبوعات و رسانه ملی با ایجاد دایره‌هایی بسته، بدون درک احساس و باورهای دفاع مقدس و تنها با تفکر دلالی و بدون تکیه بر تقویت باورهای نسل جدید، در شکلی تکراری، هویت این ارزش‌ها را احصاء می‌کنند و ملاک عمل‌شان برای مسؤولان در قدرت‌نشسته، تنها آمار و ارقام است. به همین علت است که این رسانه‌ها، با گذشت بیست سال از جنگ، نه تنها الگوی مناسبی برای شناخت جنگ نیستند، بلکه ارزش‌های واقعی را نیز کم و گور و محو می‌کنند. امروز ارزش‌های آن روزگار را به عیب‌هایی بزرگ تبدیل کرده‌اند؛ به‌حدی که سال‌های دفاع مقدس نتوانسته است برای خود قهرمانی داشته باشد. در حالی که برای موضوع‌های سرگردان جامعه به سرعت قهرمان‌سازی می‌کنند.

نسل امروز و آینده با نگاهی دقیق، رفتارها و عمل‌کردهای نامناسب را در زمینه دفاع مقدس به تماشا نشسته است و انگیزه‌ها و شیفتگی آن نسل را جست و جو می‌کند، فرم نگاه خود را از انسان‌های شهاب زنده می‌گیرد و افسوس که این شهابان زنده به دلیل فراز و نشیب‌های فراوان زندگی، در خود فرورفته‌اند. به‌راستی نسل‌های آینده، هویت و واقعیت خود را در چه چیزی خواهد یافت؟... ■

آن احساس زیبایی که نسل ما در دفاع مقدس داشت، در گذر زمان نمایان خواهد شد و قلب‌ها و فسادهایی که در سایه قدرت و توسط روشن‌فکران تاریخ عینیت یافته است در دیدرس شاهدان زنده قرار خواهد گرفت